

## مهد ادب و خواهر و مادر

در این کس «ذ افغانستان تمدن» تاریخ پنج هزار ساله دارد، تردیدی نیست. اگر معیار تمدن این باشد که کدام کشور ویرانه زیاد دارد، من که به ویرانه های افغانستان عزیز نگاه می کنم به این نتیجه می رسم که قدمت تمدن ما از ده هزار سال هم می گذرد. در مسیر میان پلی خمیری و سمنگان دشتی...

صفحه ۴

## چرا ثقافت اسلامی خشونت می پرورد؟

اخیرا حفیظ منصور گفته است که مضمون ثقافت اسلامی منبع زایش خشونت است. این سخن جدال های زیادی را در میان موافقان و مخالفان خود دامن زد. مخالفان این سخن، به لعن و نفرین و توهین دست یازیدند. موافقان علم تحسین و پشتیبانی برافراشتند. در این میان اما آنچه به ندرت مطرح شد، بحث مستدل و منطقی در دفاع و رد این سخن است. از این رو، در این یادداشت، به عنوان فتح باب مباحث بیشتر در این خصوص، سعی بر آن است تا با پشتوانه ای استدلال علمی نشان داده شود که چرا ثقافت اسلامی...

## این هفته

این هفته را با این خبر که «افغان ها سالانه سه میلیارد دالر رشوه پرداخت می کنند» آغاز کردیم. سازمان دیده بان شفافیت افغانستان اعلام کرد که اکثر اشتراک کننده گان در این نظرسنجی از قاضی ها و سارنوالان شکایت کرده و گفته که همه ی ادارات فاسداند، اما قاضی ها و سارنوالان چیز دیگراند. این خبر واکنش های خودش را داشت. اولین واکنش را رییس سازمان دیده بان شفافیت افغانستان...



به منظور رشد تجارت و اقتصاد هموطنان عزیز، عزیزی بانک افتخار دارد تا قروض متوسط خویش را با مبلغ 100000 - 500000 دالر امریکایی، پیشکش نماید. هموطنان عزیز میتوانند از مزایای قرضه مذکور با شرایط سهل مستفید شوند.



www.azizibank.af

1515



## پیوندنامتعارف

بند مهم تفاهم نامه ی سیاسی یی که میان رییس جمهور غنی و عبدالله عبدالله امضا شد، اصلاح نظام انتخاباتی و سنجدین تمهیداتی بود که بر مبنای آن اعتبار انتخابات بازگردانده شود و شفافیت در روندهای رأی گیری و انتخابات اعمال گردد. پس از دو سال کشمکش جدی بر سر چه گونه ی نظام انتخاباتی کنونی و اصلاح آن، سرانجام لیستی از افراد «واجد شرایط» مدیریت کمیسیون های انتخابات و سمع شکایات به ریاست جمهوری داده شد که از آن میان، ۱۲ عضو این کمیسیون ها برگزیده شد و به این ترتیب، کمیسیون انتخابات و کمیسیون شکایات انتخاباتی به کارشان آغاز کردند. دیروز رییس کمیسیون انتخابات از آغاز روند نهایی سازی فهرست نام های رأی دهنده گان، ساخت تقویم برگزاری انتخابات و کوچک ساختن حوزه های انتخاباتی خبر داد. این خبر زمانی اعلام می شود که زمان قانونی مجلس شانزدهم یک سال پیش به پایان خود رسید؛ اما در انتظار اصلاح انتخابات و کمیسیون های انتخاباتی بر اساس فرمان ریاست جمهوری کماکان به کارش ادامه می دهد. اگر به شروع کار این کمیسیون ها خوش بینانه برخورد نکنیم و با نگاه واقع بینانه تری روند کار آن ها را در نظر بگیریم...



## پارلمان ناکام!

نارضايتی گسترده ی مردم از عملکرد نمایندگان

صفحه ۳

# خدمات آهنگ بعدی از افغان بیسیم

## 30 دقیقه

### در بدل 3 افغانی

به بهترین آهنگ های دلخواه تان گوش دهید

همین حالا به شماره 6060 به تملس شوید

برای لغو اشتراک: در پیام off و یا stop نوشته و به 6060 ارسال نمایید مدت اعتبار: یک روز

www.afghan-wireless.com

152 (24 hrs)

ارتباط دهنده افغانستان Connecting Afghanistan







## خبرنگار ناراضه

## این هفته

این هفته را با این خبر که «افغان‌ها سالانه سه میلیارد دالر رشوه پرداخت می‌کنند» آغاز کردیم. سازمان دیده‌بان شفافیت افغانستان اعلام کرد که اکثر اشتراک‌کنندگان در این نظرسنجی از قاضی‌ها و سارنوالان شکایت کرده و گفته که همه‌ی ادارات فاسداند، اما قاضی‌ها و سارنوالان چیز دیگراند. این خبر واکنش‌های خودش را داشت. اولین واکنش را رییس سازمان دیده‌بان شفافیت افغانستان نشان داد و گفت: این بسیار بد است به خدا. افغان‌ها نباید سه میلیارد دالر رشوه پرداخت کنند.

در همین حال رییس کمیته‌ی ملی نظارت بر مبالغ رشوه در افغانستان، اعلام کرد که این‌طور نمی‌شود، باید اصلاحات گسترده به میان آید. او گفت مجموع مبلغ رشوه‌یی که به دست ما رسیده و ما آن را تقسیم کرده‌ایم، از دو میلیارد دالر بیشتر نیست. او از مردم افغانستان معذرت خواست و گفت: «ما نهایت تلاش خویش را کردیم که افراد شایسته را برای اخاذی و رشوه‌گیری استخدام کنیم تا پولی را که ملت غیور افغان پرداخت می‌کنند، به صورت مساویانه به مستحقین (مقامات حکومت) برسد و توزیع شود. اما چه کار کنیم؟ یک تعداد زیاد بر اساس واسطه استخدام شدند و حالا یک میلیارد دالر گم است.» وی در ادامه از مردم مومن افغانستان خواست که ناامید نشوند، همچنان رشوه بدهند و نگذارند که این فرهنگ افغانی از بین برود. وی قول داد یا شفافیت در رشوه‌ستانی به وجود می‌آورد یا استعفا می‌کند. وی در حالی که به چند منافع در کمیته‌ی ملی رشوه‌ستانی فکر می‌کرد از رییس‌جمهور خواست در این زمینه اقدامات جدی کند، در غیر آن ممکن مردم افغانستان بیش از پیش به این حکومت بی‌باور شوند و دیگر رشوه پرداخت نکنند.

خبرهای وسط هفته هم جالب است. خانه‌ی آزادی افغانستان نیز تحقیقی انجام داده که نشان می‌دهد هفتاد درصد مردم افغانستان از عملکرد وکلای پارلمان ناراض‌اند. یکی از مسئولین این نهاد هنگام ارایه‌ی نتایج این تحقیق گفت: «معذرت می‌خواهم، بسیار معذرت می‌خواهم، گلاب به روی تان این وکلای پارلمان نزد اکثریت مردم محبوبیت ندارند و بیشتر از هفتاد درصد مردم منتظر اند انتخابات بعدی برگزار شوند و وکلای فعلی خود را کاندید کنند و مردم به آن‌ها رای ندهند تا که سیه روی شود، هرکه در او غش باشد.» در همین حال هفتاد درصد وکلای پارلمان در نشستی مشترک و در واکنش به این خبر گفته که ناامیدی مردم برای‌شان مهم نیست. این وکلا گفتند که برای برگزاری انتخابات بی‌تاب‌اند و حتا گاهی ترافیک را در روی سرک از شدت بی‌تابی لت می‌کنند. این وکلا که تمسخر پیدایی را در چهره‌های‌شان علیه مردم پنهان کرده بودند، گفتند باش که انتخابات برگزار شود و ما خود را کاندید کنیم، باز ببینید که با دادن یک چین به ارباب منطقه و یک شکم پولو به متنفذین منطقه، چطور رای مردم را از خود می‌کنیم. یکی از وکلا از مردم خواهش کرد که خونسرد باشند، چون روز انتخابات با تراق سر رفته برای او رای خواهند داد.

خبر دیگر وسط هفته، رسیدن احمد ایشچی به کابل است. آقای ایشچی ادعا دارد که جنرال دوستم می‌خواست بیریق معاونیت ریاست‌جمهوری را در سرزمین رعیت‌آسای او به اهتزاز درآورد، اما این کار را نکرد. تقریباً همه‌ی نهادهای داخلی و خارجی خواهان بررسی جدی این موضوع شده، به جز خود جنرال دوستم و یارانش. اعلامیه‌ها یک رقم یکی از پس دیگری صادر می‌شود که گویا هفته‌ی پیش آماده شده بوده. اتحادیه‌ی اروپا گفته که اگر این موضوع درست و جدی بررسی نشود، امکان دارد تا آخر عمر از مقعد حکومت افغانستان خون بچکد. در همین حال یکی از مقامات شورای امنیت ملی گفت که جشن نزدیک است بخیر!

خبر دیگر این هفته، ملاقات لیونل مسی با مرتضی احمدی مشهور به «مسی کوچک افغانستان» افغانستان است. شماری از هواداران بارسلونا با شنیدن این خبر، در صفحات فیس‌بوک خویش نوشته‌اند که درود بر مسی! روی هرچه رئالی در افغانستان است را سیاه کرد! چرا که رئالی‌ها قبلاً می‌گفتند که مسی، مرتضی را نادیده گرفته و در حق او نامردی کرده است. اما حاجی رمضان که تازه از سفر زیارتی برگشته با انتشار عکسی از خود نوشته که بارسایی‌های دروغ‌گو! ببینید من چه قدر سفیدم! در همین حال، شماری از رئالی‌ها در واکنش به این خبر گفته‌اند تا زمانی که لیونل مسی جاغوری را با کاتالونیا تبدیل نکند، به نفرت خویش از بارسلونا و مسی ادامه خواهند داد. این جمع از رئالی‌ها مدعی‌اند که مرتضی (مسی کوچک) بر گردن مسی بزرگ حق دارد که زادگاهش را به بارسلونای دوم تبدیل کند. واکنش دیگر این است که شماری از علمای ولایت تخار و استادان دانشگاه این ولایت که در این اواخر نقل محافل‌اند در واکنش به این خبر گفته که مرتضی مسی را هرجا دیدید، فوراً قتل عام کنید. نگذارید این بچه‌ی خبیث مایه نفاق میان رئالی‌ها و بارسایی‌های باهم برادر افغانستان شوند. آن‌ها گفتند که مرتضی مسی حتا از زنان هم بی‌حیاط است.

## پارلمان ناکام؛

## نارضایتی گسترده‌ی مردم از عملکرد نمایندگان



## الیاس نواندیش

۶۹،۴ درصد از اشتراک‌کنندگان این نظرسنجی گفته‌اند که نمایندگان‌شان در مراجعه به وزارت‌خانه‌ها، نهادهای حکومتی و ارگان‌های عدلی و قضایی پیگیر مشکلات و منافع شخصی‌شان بوده‌اند. ۲۰،۹ درصد دیگر گفته‌اند که نمایندگان‌شان در پارلمان پیگیر حل مشکلات ملی‌اند. ۱۸،۱ درصد نظر نداشته و ۳،۲ درصد دیگر به این سوال پاسخ نداده‌اند.

## نظم، رعایت طرز‌العمل و اصول و وظایف داخلی نمایندگان مجلس

بی‌نظمی، عدم رعایت طرز‌العمل و اصول و وظایف داخلی نمایندگان مجلس بارها از پرده‌های تلویزیون مشاهده شده است؛ حتا درگیری‌های فیزیکی نمایندگان را به دنبال داشته است؛ امری که واکنش‌هایی هم در شبکه‌های مجازی داشته است؛ جوک، خنده، نقد و حتا تمسخر. اکنون یافته‌های نظرسنجی خانه‌ی آزادی افغانستان از موکلین نمایندگان مجلس نشان می‌دهد که ۲۷،۴ درصد اشتراک‌کنندگان در مورد «رعایت نظم مطابق طرز‌العمل و آیین‌نامه‌ی داخلی نمایندگان» کاملاً مخالف بوده، ۱۵،۸ درصد نسبتاً مخالف بوده، ۲۰،۸ درصد نسبتاً موافق بوده و ۱۵،۵ درصد کاملاً موافق بوده‌اند.

۱۹۱۲ نفر در این نظرسنجی (۲۶ درصد) کاملاً مخالف این موضوع بوده‌اند که «نمایندگان آداب و نزاکت‌های رفتاری و گفتاری یک نماینده را رعایت کرده‌اند» و تنها حدود ۱۰ درصد کاملاً موافق این موضوع بوده‌اند. ۱۹،۵ درصد از اشتراک‌کنندگان نسبت به رعایت آداب و نزاکت‌های رفتاری و گفتاری نمایندگان نسبتاً مخالف بوده، حدود ۲۲،۹ درصد نسبتاً موافق بوده و ۱۶،۸ درصد دیگر نظر نداشته‌اند.

**ترجیح منافع شخصی و قومی نسبت به منافع ملی**  
یافته‌های نظرسنجی خانه‌ی آزادی افغانستان نشان می‌دهد که نمایندگان مجلس دور شانزدهم منافع شخصی و قومی را بر منافع ملی در تصمیم‌گیری‌های پارلمان ترجیح داده‌اند. ۲۷،۶ درصد پاسخ‌دهندگان مخالف این موضع بوده‌اند که «نمایندگان مردم در پارلمان در تصمیم‌گیری‌ها منافع ملی را بر منافع شخصی ترجیح داده‌اند.» حدود ۵،۱ درصد نسبتاً مخالف بوده، حدود ۱۹،۵ درصد کاملاً موافق بوده و ۱۵،۸ درصد نسبتاً موافق بوده‌اند که «نمایندگان در تصمیم‌گیری‌ها منافع ملی را بر منافع شخصی ترجیح داده‌اند.»  
براساس یافته‌های این نظرسنجی، نمایندگان مجلس منافع قومی را نسبت به منافع ملی ترجیح داده‌اند. ۲۷،۳ درصد از پاسخ‌دهندگان کاملاً مخالف این موضوع بوده‌اند که

خانه‌ی آزادی افغانستان، نهاد رسانه‌یی با رویکرد تهیه‌ی گزارش‌های تحقیقی و مطالعات پژوهشی، گزارشی تحقیقی را در مورد «عملکرد پارلمان از نگاه مردم» منتشر کرده است که نشان می‌دهد مردم از عملکرد نمایندگان مجلس راضی نیستند و ۷۰ درصد اشتراک‌کنندگان این نظرسنجی گفته‌اند نمایندگان پارلمان به وظایف خود درست عمل نکرده‌اند.

این گزارش که به روز سه‌شنبه در یک نشست خبری ارایه شد، نشان می‌دهد که تنها حدود ۱۵ درصد از پاسخ‌دهندگان گفته‌اند که نمایندگان پارلمان به وظایف خود درست عمل کرده‌اند و حدود ۱۲،۳ درصد دیگر گفته‌اند در این مورد نظر ندارند. ۲ درصد دیگر هم در این مورد بدون پاسخ‌اند.

## وظایف قانونی نمایندگان

براساس یافته‌های نظرسنجی خانه‌ی آزادی افغانستان، ۴۵،۱ درصد اشتراک‌کنندگان گفته‌اند «نمایندگان مردم به هیچ‌کدام از سه وظیفه‌ی قانونی‌شان (قانون‌گذاری، نظارت بر عملکرد حکومت و ارتباط با مردم) درست عمل نکرده‌اند. تنها ۱۳،۵ درصد از اشتراک‌کنندگان گفته‌اند که نمایندگان پارلمان به وظایف قانونی‌شان درست عمل کرده‌اند. ۲۰،۶ درصد تایید کرده‌اند که نمایندگان به وظایف نظارت بر عملکرد حکومت و ۱۰ درصد دیگر پاسخ داده‌اند که نمایندگان در ارتباط با مردم درست عمل کرده‌اند. ۲،۲ درصد دیگر در این زمینه پاسخی نداده‌اند.

## تصویب عادلانه، متوازن و مسلکی بودجه‌ی ملی

سید روح‌الله رضوانی، گزارشگر ارشد خانه‌ی آزادی افغانستان هنگام ارایه‌ی نتایج این تحقیق گفت بیش از ۵۵ درصد پاسخ‌دهندگان به سوال این نظرسنجی گفته‌اند که نمایندگان پارلمان در تصویب بودجه‌ی ملی عادلانه، متوازن و مسلکی عمل نکرده‌اند. تنها حدود ۱۳ درصد به این سوال پاسخ مثبت داده و ۲۹،۳ درصد دیگر نظر نداده‌اند.

## نقش پارلمان در فساد اداری

آقای رضوانی گفت یافته‌های ما نشان می‌دهد که ۳۷،۲ درصد پاسخ‌دهندگان معتقداند که نمایندگان مردم در مجلس نمایندگان در افزایش فساد اداری نقش مستقیم دارند. ۳۲،۹ درصد دیگر گفته‌اند که نمایندگان در زمینه‌ی مبارزه با فساد بی‌تفاوت‌اند و ۷،۹ درصد تایید کرده‌اند که نمایندگان مجلس در امر مبارزه با فساد اداری مفید عمل کرده‌اند. ۱۸،۷ درصد در این مورد نظر نداده و ۳،۲ درصد به سوال پاسخ نداده‌اند.

نمایندگانی که در پی منافع شخصی‌اند



# چرا ثقافت اسلامی خشونت می‌پرورد؟

■ یحیاعمار

این‌که رژیم‌های سوسیالیستی و نظام‌های اسلامی جوی‌های خون را جاری کردند، همین امر است. استالین و مانو برای ساختن بهشت کمونیسم انسان‌های زیادی را از دم تیغ گذراندند زیرا بازگرداندن جامعه‌ی سرمایه‌داری یا فتودالی به قالب کمون اولیه ناممکن بود/است. ثقافت اسلامی نیز باور احیای عصر پیامبر و خلفای راشدین را القا می‌کند. احیا کردن ساختارهای سیاسی، اقتصادی و نظامی عصر پیامبر گرامی اسلام و خلفای وی ناممکن است و تلاش در این راستا جز خشونت ارمانی دیگری در پی ندارد.

دلیل سوم؛ احساس ناتوانی: مضمون ثقافت اسلامی تهی از استدلال علمی است. این مضمون فاقد دلایل اثبات حقانیت باورهای دینی می‌باشد. این‌که چرا سازوکار بیعت یا تعیین حاکم از مجرای شورای حل‌و‌عقد، بهترین مدل حکومت است و این مدل در برابر مدل دموکراسی چه حرفی برای گفتن دارد، هیچ دلیلی اقامه نمی‌شود. از دانشجویان خواسته می‌شود که به‌عنوان مسلمان تعبداً این باورها را بپذیرند و برای اثبات آن تلاش عملی نمایند. از این‌رو، زمانی که دانشجویان یا هر مسلمانی در برابر دموکراسی که مباحثات محکم فلسفی دارد، یا در برابر نظام اقتصادی بازار که ریشه در استدلال‌های علمی دارد و... قرار گیرد، احساس ناتوانی می‌کند. موضع خود را در برابر نظام سیاسی و اقتصادی مدرن، ضعیف و پایین می‌یابد. و این احساس ناتوانی، به خشونت‌ورزی دامن می‌زند زیرا خشونت بیشتر ریشه در ناتوانی دارد. از نظر روان‌شناسی کسی که در برابر حریف احساس ناتوانی کند دست به خشونت می‌زند. یعنی هرگاه کسی برای به کرسی نشاندن سخن خود یا به اثبات رساندن باور خود دلیل نداشته باشد، ناگزیر است خشونت بورزد. وقتی پای باور مذهبی در میان باشد و صاحب باور نه به پول‌الیزم قایل باشد و نه دلیل بر حقانیت باور خود داشته باشد، بدیهی است که با هر باور مخالف دشمنی و خشونت می‌ورزد.

بنا بر دلایل مذکور مضمون ثقافت اسلامی نه خود ثقافت اسلامی، باورهای خشونت‌زا تولید می‌کند. از این‌رو، باید این مضمون اصلاح گردیده و بحث‌های نوآندیشان دینی در آن گنجانیده شود. وارد کردن مباحث کلامی و فلسفی جدید در مضمون ثقافت اسلامی می‌تواند به بهتر شدن وضع فرهنگی کشور کمک به سزا کند.

به دانشجویان القا نکند، بدیهی است که سنگ‌بنای خشونت را در ساخت باورهای دانشجو کارگذاری می‌نماید.

دلیل دوم؛ ناسازگاری با جهان مدرن: آموزه‌های مضمون ثقافت اسلامی با جهان مدرن سر سازگاری ندارند. نظام سیاسی، نظام اقتصادی، نظام اجتماعی و... که در این مضمون تدریس می‌گردد هیچ سنخیتی با مقتضیات جهان جدید ندارد. در این مضمون، بحث از سازگاری اسلام با حقوق بشر، دموکراسی، اقتصاد لیبرال و بانکداری و... نیست بلکه تعیین حاکم از طریق شورای حل‌و‌عقد بهترین مدل حکومت معرفی می‌شود. دموکراسی به‌عنوان جهالت و حقوق بشر وسیله‌ی استعمار جدید خوانده می‌شود. اما بحث این است که چرا ناسازگاری تعالیم ثقافت اسلامی با جهان مدرن منجر به تولید خشونت می‌گردد. در پاسخ باید گفت این تعالیم باورهایی را به‌وجود می‌آورد که پیاده کردن آن باورها در جهان کنونی ناممکن است. همین عدم امکان، شعله‌ی خشونت را برمی‌افروزد. هرگاه کسی یا گروهی به مدل حکومت اسلامی (مثلاً بیعت یا تعیین حاکم از طریق شورای حل‌و‌عقد) باورمند باشد و پیاده کردن این مدل حکومتداری ناممکن، ناگزیر است برای فراهم ساختن زمینه‌ی اجتماعی و فرهنگی آن مدل حکومتداری، دست به خشونت بزند. طرح‌ها و باورهای ناممکن خواهی‌نخواهی دارندگان آن طرح و باور را به سوی خشونت می‌کشاند. دلیل

فکری که به‌عنوان ثقافت اسلامی تدریس می‌گردد، به جز از گوستاولوبون سایر شرق‌شناسان به‌عنوان دشمن اسلام معرفی گردیده‌اند. به دشمنی غرب علیه اسلام بسنده نشده است بلکه دگراندیشی‌های روشنفکران دینی نیز بدعت و چاکری غرب خوانده می‌شود. خلاصه هیچ اختلاف‌نظر، مجال مطرح شدن ندارد. آنچه در این مضمون تدریس می‌گردد، حق‌اند و تمام آرای مخالف، درون‌دینی باشد یا برون‌دینی، همه باطل تلقی گردیده‌اند. اما برگردیم به این‌که چرا نفی پول‌الیزم معرفتی سر از خشونت در می‌آورد. پاسخ تا جایی روشن است، وقتی کسی به کثرت‌گرایی قایل نباشد، آرای مخالف را حاوی میزانی از حقیقت نداند، قهراً علیه مخالفین خود دست به خشونت می‌زند. یعنی زمانی که کسی باورهای خود را حقیقت مطلق بداند، اظهار رأی مخالف احساس کینه و عداوت در او ایجاد می‌کند. این احساس خواهی‌نخواهی منجر به تولید خشونت می‌گردد. در حالی‌که، اگر کسی قایل به کثرت‌گرایی باشد، با قرار گرفتن در برابر رأی مخالف احساس کینه و نفرت نمی‌کند زیرا رأی مخالف را نیز محمل میزانی از حقیقت می‌داند و علیه صاحب آن رأی دست به خشونت و پرخاش نمی‌زند. اما مضمون ثقافت اسلامی از ظرفیت پذیرش آرای مخالف برخوردار نیست. مضمونی که معرفت دینی تولید می‌کند و این معرفت بنیان باورهای مذهبی، که مقدس‌اند، قرار می‌گیرد، اگر پول‌الیزم معرفتی را

اخیراً حفیظ منصور گفته است که مضمون ثقافت اسلامی منبع زایش خشونت است. این سخن جدال‌های زیادی را در میان موافقان و مخالفان خود دامن زد. مخالفان این سخن، به لعن و نفرین و توهین دست یازیدند. موافقان علم تحسین و پشتیبانی برافراشتند. در این میان اما آنچه به ندرت مطرح شد، بحث مستدل و منطقی در دفاع و رد این سخن است. از این‌رو، در این یادداشت، به‌عنوان فتح باب مباحث بیشتر در این خصوص، سعی بر آن است تا با پشتوانه‌ی استدلال علمی نشان داده شود که چرا ثقافت اسلامی منجر به تولید و پرورش خشونت می‌گردد. پیش از همه باید خشونت را تعریف نمود. البته پدیده‌ی خشونت دستخوش تعریف‌های زیادی گردیده است که طرح آن‌ها در این نوشته نمی‌گنجد. لذا بحث را با تعریف سیمون وی از خشونت طرح می‌کنیم. از نظر سیمون وی، خشونت عبارت از پاس نداشتن عقلانیت کسی در مقام نظر و یا محترم نشمردن آزادی وی در مقام عمل است. به این اعتبار، محترم نشمردن آزادی گفتار و یا آزادی رفتار کس/کسانی به‌معنای اعمال خشونت در حق او/آن‌ها است. از این منظر، اینک پرسش این است که ثقافت اسلامی چرا و چگونه موجب باورهای خشونت‌زا در دانشجویان می‌گردد. یک نکته در همین‌جا باید ابضاح شود که آموزه‌های ثقافت اسلامی منبع تولید باور و عقاید مذهبی‌اند، و عقاید مذهبی برخلاف سایر باورهای انسان، ویژگی قدسی دارند. یعنی این باورها در نزد اهل ایمان از تقدس و مرتبت‌الایی برخوردارند. انسان‌های مومن به این باورها و عقاید حاضراند حتا جان خود را نثار پاسداری از آن‌ها نمایند.

به پرسش اصلی بازمی‌گردیم که ثقافت اسلامی چرا و چگونه مولد خشونت است. به گمان منی که دانشجوی دانشگاه کابل بوم و طی هشت سمستر برای گذراندن امتحان، مضمون ثقافت اسلامی را فرا می‌گرفتم، سه دلیل مبنی بر خشونت‌آفرین بودن آموزه‌های مضمون ثقافت اسلامی وجود دارد.

دلیل اول؛ نفی پول‌الیزم معرفتی: تعالیم مضمون ثقافت اسلامی چنان متصلبانه و انعطاف‌ناپذیر تدوین گردیده که جایی برای اختلاف‌نظر باقی نگذاشته است. اختلاف‌نظر با آموزه‌های اسلامی تحت عنوان «جنگ فکری» به دانشجویان تدریس می‌گردد. جنگی که غربی‌ها علیه اسلام به راه انداخته‌اند. در کتاب جنگ

**مضمون ثقافت اسلامی تهی از استدلال علمی است. این مضمون فاقد دلایل اثبات حقانیت باورهای دینی می‌باشد. این‌که چرا سازوکار بیعت یا تعیین حاکم از مجرای شورای حل‌و‌عقد، بهترین مدل حکومت است و این مدل در برابر مدل دموکراسی چه حرفی برای گفتن دارد، هیچ دلیلی اقامه نمی‌شود. از دانشجویان خواسته می‌شود که به‌عنوان مسلمان تعبداً این باورها را بپذیرند و برای اثبات آن تلاش عملی نمایند. از این‌رو، زمانی که دانشجویان یا هر مسلمانی در برابر دموکراسی که مباحثات محکم فلسفی دارد، یا در برابر نظام اقتصادی بازار که ریشه در استدلال‌های علمی دارد و... قرار گیرد، احساس ناتوانی می‌کند. موضع خود را در برابر نظام سیاسی و اقتصادی مدرن، ضعیف و پایین می‌یابد. و این احساس ناتوانی، به خشونت‌ورزی دامن می‌زند زیرا خشونت بیشتر ریشه در ناتوانی دارد.**

## پگواش نشستی را در مورد صلح افغانستان برگزار می‌کند

یکی از کشورهای منطقه برگزار شود. اما در نشست دیروز مجاهدین اسبق، بزرگان، رهبران احزاب سیاسی و مقامات افغان نیز شرکت داشتند. به گفته‌ی آقای صافی، تقسیم‌اوقات خروج نیروهای خارجی از افغانستان به‌صورت تدریجی، حذف نام مقامات طالبان از لیست تعزیرات سازمان ملل متحد، گشایش دفتر سیاسی طالبان برای گفت‌وگوهای صلح، تبادل زندانیان طالب و مسایل حقوق بشر و زنان نیز از موضوعاتی است که در پیش‌نویس ۱۹ ماده‌یی گفت‌وگوهای صلح جا داده شده است.

نشست دیروز در کابل، در پی نشستی که در اسلام‌آباد پاکستان در ماه اکتوبر سال روان میلادی دایر شده بود، برگزار شده بود. اما هنوز روشن نیست که حکومت افغانستان و نمایندگان طالبان در نشستی که از سوی پگواش برگزار می‌شود، سهم خواهند گرفت یا خیر. در نشست سال گذشته پگواش در مورد صلح افغانستان گروه طالبان چندین پیش‌شرط برای آغاز مذاکرات مستقیم مطرح کرده بود. در آستانه‌ی برگزاری نخستین دور گفت‌وگوهای مستقیم صلح اما گروه طالبان با تأکید بر آن پیش‌شرطها اعلام کرد که در این گفت‌وگوها نماینده نمی‌فرستند.



به گفته‌ی آقای صافی، قرار است یک نشست بزرگ با حضور نمایندگان حکومت افغانستان و طالبان برگزار شود. آقای صافی گفته این مؤسسه امیدوار است که این نشست در اواسط جنوری یا در اوایل ماه فبروری در

و اسلحه را به زمین نمی‌گذارند. پس چطور ممکن است آتش‌بس هم شود، اراضی افغانستان نیز به‌صورت هماهنگ از سوی طالبان و حکومت افغانستان اداره شود.»

اطلاعات روز: مؤسسه‌ی بین‌المللی پگواش قرار است تا دو ماه دیگر نشست کلانی را میان نمایندگان حکومت افغانستان و گروه طالبان در یکی از کشورها برگزار کند.

پگواش مؤسسه‌ی تحقیقاتی بین‌المللی کانادایی است که برای صلح و حل منازعات در مناطق مختلف جهان تلاش و نشست‌هایی را برگزار می‌کند. سال گذشته این مؤسسه نشستی را در مورد صلح افغانستان در قطر برگزار کرده بود.

نماینده‌ی این مؤسسه در افغانستان دیروز (سه‌شنبه، ۲۳ قوس) نشستی را به هدف جمع‌آوری دیدگاه‌های سران پیشین مجاهدین و گروه‌های سیاسی افغانستان در رابطه به مسأله‌ی صلح افغانستان در کابل برگزار کرد. خلیل‌الله صافی، رییس این مؤسسه در افغانستان، به صدای امریکا گفته که اشتراک‌کنندگان در این نشست روی یک پیش‌نویس ۱۹ ماده‌یی که شامل آتش‌بس نیز می‌باشد، صحبت کردند.

آقای صافی گفته است: «ماده‌ی اول آن آتش‌بس است؛ آتش‌بس، میکانیسم و تطبیق آن، زیرا این موضوع حساس است. هرگاه آتش‌بس شود، طالبان ادعا می‌کنند که ۵۰ تا ۶۰ درصد خاک افغانستان را در کنترل دارند. در آن صورت آن‌ها به دولت افغانستان تسلیم نمی‌شوند»

# تفاوتی که میان موفقیت و حقانیت باید قایل شد

عمران راتب

**نکته‌ی روشن و قابل درک اما این است که، موفقیت و حقانیت، الزاماً رابطه‌ی مستقیم با هم دیگر ندارند. یعنی معنای اجتناب‌ناپذیر فراز آمدن یکی، تثبیت موضع دیگری نیست. در حرکت‌ها و جنبش‌های اجتماعی که مشارکت انسان‌های مختلف و متفاوت از لحاظ نیت و عقلانیت در صفوف آن‌ها قابل تصور و درک‌شدنی است، نمی‌توان به صرف این که آن پیامد و نتیجه‌ی قابل انتظار بر حرکت مورد نظر مترتب نبوده، رأی و حکم بر ناعقلانی و نابخردانه بودن کلیت آن حرکت داد. و از قضا، با نگاه از منظری دیگر، می‌توان به نتیجه‌ی متفاوتی هم دست یافت؛ این که: ساختار موجود و از قبل تثبیت و تحکیم‌شده، هنوز از آن مقدار ثبات و استحکامی برخوردار است که اجازه نمی‌دهد کنش‌های مخالف نوپا، به آسانی موجب تغییر و تفاوت در آن شود. این نتیجه‌گیری، یک توصیه‌ی هوشیارباش هم با خودش دارد: برای ایجاد تغییر در ساختار حاکم، به مبارزه‌ی بیشتر و همه‌شمول‌تر از آن نیاز است که بر حرکت یا کنشی که اکنون گویا شکست آن مبرز گردیده، هزینه شده بوده است.**

به نظر می‌رسد که بی‌آنکه جسارت اعتراف به این امر را داشته باشیم که مواجهه‌ی ما با رخدادها و مسایل اجتماعی بیشتر از آنکه عقلانی و مبتنی بر خرد سنجش‌گرانه باشد، احساسی و عقده‌بنیاد است، در عمل رفتارمان به گونه‌ی بی‌استه‌است که عیناً این ادعا را تأیید می‌کند: گویا خود بر این نقیصه در زندگی اجتماعی مان پی برده‌ایم. این‌جا نیاز نیست مورد مشخصی را به‌عنوان نمونه ذکر کنیم. فقط کافی است به این بیندیشیم که در همین چند سال پسین، هرازگاهی که حرکت‌های اجتماعی و مبارزات مدنی‌یی که حجم عظیمی از عوام یا شهروندان به‌معنای واقعی نگران سرنوشت‌شان در پس آن‌ها قرار داشتند، در جامعه قد برافراشته‌اند، با چگونه رفتار و برخوردی از سوی جمع به‌اصطلاح نخبه و چیزدان جامعه مواجه شده‌اند. مایلیم بر این نکته تأکید ورزم که برای من، هر حرکت یا کنش جمعی (حتا نه الزاماً مدنی)، تلاشی است در جهت پی‌ریزی ساختاری تازه در برابر کلان‌ساختار حاکم با مبارزه علیه مسایل و موضوعاتی که این کلان‌ساختار ماهیت خود را به‌واسطه‌ی آن بر جامعه آشکار و حاکم می‌سازد. به‌عبارت دیگر: کنش‌های افراطی یک ساختار فکری یا فرهنگی به‌منظور بسط و استمرار سلطه‌ی آن ساختار، بالاچار در موقعیتی، به شکل‌گیری نیرویی می‌انجامد که در برابر این کنش و تبعات آن می‌ایستد و به‌نحوی، نقش یک ضدساختار را بازی می‌کند. مصداق این سخن را ما دست‌کم در دو سال اخیر در حوزه‌ی اجتماعی کشور، به تکرار مشاهده کرده‌ایم، و حرکتی که در قالب «جنبش روشنائی» شکل گرفت، یکی از تازه‌ترین آن‌هاست. از این است که می‌گوییم قرار گرفتن در سمت حمایت از این حرکت‌ها، سهم بیشتری از عقلانیت اجتماعی معطوف به تغییر دارد تا ایستادن در برابر آن و تحکیم موضع کلان‌ساختار کمرشکن که به پیدایش حرکات نوین، یکی از برآیندهای ناگزیر سلطه‌ی بی‌رویه‌ی آن بر اجتماع است. حالا بحث این‌که چگونه بدانیم که حرکات نوینی که از دل سلطه‌ی ناروای ساختار حاکم برآمده و بر ضد آن عمل می‌کنند، به پایه‌ریزی وضعیتی تازه و ترجیحاً بهتر می‌انجامند، و یا دست‌کم رسیدن به باوری یقینی به این‌که نتایج و تبعات این حرکات موجب پدید آمدن ساختار یا رویه‌ی نامناسب‌تر از ساختار قبلی و حاکم نمی‌شود، نه زیاد روشن است و نه هم در گام نخست، می‌توان پس‌منظری خیلی عقلانی و بخردانه برای آن تراشید. دم‌دست‌ترین نشانه‌ی بی‌توانی از آن به‌مثابه‌ی تقویت‌کننده‌ی این باور استفاده کرد که نیروها و حرکات نوین اجتماعی، اکثراً نمی‌توانند کارکرد قهرقایی داشته باشند و طوری عمل کنند که اجتماع را حتا به وضعیت ماقبل حاکمیت ساختار موجود برگردانند، این است که اندیشه و عقلانیت همیشه تاریخ‌مند عمل می‌کنند، و از این‌رو، به‌سادگی اجازه‌ی برگشت به عقب را به نیروهای تازه‌تشکیل نمی‌دهد. یعنی طبیعت سیال تمامی حرکت‌ها و نیروها و کنش‌های اجتماعی در گذر تاریخ این است که سهم

آن‌ها از نیروی عقل و اندیشه، علی‌القاعده نسبت به حرکت‌ها و کنش‌های پیشین بیشتر است. نکته‌ی روشن و قابل درک اما این است که، موفقیت و حقانیت، الزاماً رابطه‌ی مستقیم با هم دیگر ندارند. یعنی معنای اجتناب‌ناپذیر فراز آمدن یکی، تثبیت موضع دیگری نیست. در حرکت‌ها و جنبش‌های اجتماعی که مشارکت انسان‌های مختلف و متفاوت از لحاظ نیت و عقلانیت در صفوف آن‌ها قابل تصور و درک‌شدنی است، نمی‌توان به صرف این که آن پیامد و نتیجه‌ی قابل انتظار بر حرکت مورد نظر مترتب نبوده، رأی و حکم بر ناعقلانی و نابخردانه بودن کلیت آن حرکت داد. و از قضا، با نگاه از منظری دیگر، می‌توان به نتیجه‌ی متفاوتی هم دست یافت؛ این که: ساختار موجود و از قبل تثبیت و تحکیم‌شده، هنوز از آن مقدار ثبات و استحکامی برخوردار است که اجازه نمی‌دهد کنش‌های مخالف نوپا، به آسانی موجب تغییر و تفاوت در آن شود. این نتیجه‌گیری، یک توصیه‌ی هوشیارباش هم با خودش دارد: برای ایجاد تغییر در ساختار حاکم، به مبارزه‌ی بیشتر و همه‌شمول‌تر از آن نیاز است که بر حرکت یا کنشی که اکنون گویا شکست آن مبرز گردیده، هزینه شده بوده است. بدین‌مفهوم که، عدم دست‌یابی کنشی به داعیه‌ی بی‌این کنش با عطف به آن شکل گرفته، قیل از این‌که به‌معنای شکست قطعی کنش، دست‌رس‌ناپذیری داعیه و یا ناممکن بودن ایجاد شکاف و تغییر در ساختار به‌ظاهر صلب و ثابت حاکم باشد، گاهی و اغلب بیان‌گر این امر است که کنش نوپای مورد نظر، در روبرویی خود با وضعیت غالب، دچار ساده‌انگاری و یا هم خطای روشنی شده است. معنای ساده‌انگاری این است که این کنش، در جریان مواجهه، بیشتر از آن‌که واقعیت امر باشد، بر نیرو و توان خود تکیه و اعتماد داشته و این باعث خلق اعتماد کاذب و جهیدن‌های بی‌مورد در فرایند گردیده، و یا میزان توان و نیروی مقاومت در برابر خود را کم‌تر از حد واقعش در نظر گرفته. اما خطای روشنی در حرکتی اجتماعی را نمی‌توان جز این دانست که این حرکت، محاسبه‌ی دقیقی از داعیه، حجم و قلمرو آن و چگونه دست‌یافتن به آن داعیه نداشته و در یک کلام، این سه مورد را در فرایند کنش‌ورزی، مورد توجه قرار نداده است: حق‌داشتن، سودجستن و اندازه‌نگه‌داشتن. مشهور است که می‌گویند تئوریزه کردن این سه مورد، یکی از راه‌یافت‌هایی است که مانع‌دوین در طی آن راهپیمایی بزرگ ۱۹۳۵ و ۱۹۳۶ و آن تلفات عظیم، به آن رسیده بوده؛ اما استفاده‌ی بی‌اینک در وضعیت مدنی و بیزار از برخوردهای خشن اجتماعی می‌توان از آن کرد، این است: هر حرکت و جریان اجتماعی، داعیه‌ی خود را همچون یک مهره، با چنان سراسرینی و دقتی باید زیر نظر داشته باشد که نه‌فقط در فرایند مبارزه آن را گم و یا خلط نکند، بلکه به‌نیکی بدانند که در شرایط مختلف و متفاوت، چه راه‌هایی را برای به‌چنگ آوردن آن باید طی کرد. قدر مسلم اما این است که حتا در شرایط شکست و ناکامی، نمی‌توان بر ناحقانیت و یا ناموضوعیت داعیه در ماهیت آن حکم کرد. از خطا در روش، نمی‌توان ناحقانیت و حقیقت‌نداشتی صورت مسئله را نتیجه گرفت، هم‌چنان که معنای دست‌یافتن به هدف، همیشه خبر از حقانیت آن هدف نمی‌دهد. هدف این یادداشت نیز تذکار همین یک نکته بود، و نیز این‌که قضاوت عجولانه بر حرکت‌ها و جریان‌های اجتماعی که زمانی که شکل می‌گیرند، دیگر تنها به آن صورت عینی و ظاهرش خلاصه نمی‌شود و در حرکت‌ها و جریان‌های احتمالی بعدی پیشاپیش ریشه می‌دواند و در خرد جمعی مردم جایی برای خود اختصاص می‌دهد، همان‌قدر احساساتی و آمیخته با عقده است که بستن راه و تاریک ساختن افق برای به‌وجود آمدن هر نوع نقد و تأملی. رأی عاقله این است: از احساساتی‌گری و عقده‌گشایی پرهیز، نقد کن آنچه را که با اندیشه به آن پی برده‌ای.

حد واقعش در نظر گرفته. اما خطای روشنی در حرکتی اجتماعی را نمی‌توان جز این دانست که این حرکت، محاسبه‌ی دقیقی از داعیه، حجم و قلمرو آن و چگونه دست‌یافتن به آن داعیه نداشته و در یک کلام، این سه مورد را در فرایند کنش‌ورزی، مورد توجه قرار نداده است: حق‌داشتن، سودجستن و اندازه‌نگه‌داشتن. مشهور است که می‌گویند تئوریزه کردن این سه مورد، یکی از راه‌یافت‌هایی است که مانع‌دوین در طی آن راهپیمایی بزرگ ۱۹۳۵ و ۱۹۳۶ و آن تلفات عظیم، به آن رسیده بوده؛ اما استفاده‌ی بی‌اینک در وضعیت مدنی و بیزار از برخوردهای خشن اجتماعی می‌توان از آن کرد، این است: هر حرکت و جریان اجتماعی، داعیه‌ی خود را همچون یک مهره، با چنان سراسرینی و دقتی باید زیر نظر داشته باشد که نه‌فقط در فرایند مبارزه آن را گم و یا خلط نکند، بلکه به‌نیکی بدانند که در شرایط مختلف و متفاوت، چه راه‌هایی را برای به‌چنگ آوردن آن باید طی کرد. قدر مسلم اما این است که حتا در شرایط شکست و ناکامی، نمی‌توان بر ناحقانیت و یا ناموضوعیت داعیه در ماهیت آن حکم کرد. از خطا در روش، نمی‌توان ناحقانیت و حقیقت‌نداشتی صورت مسئله را نتیجه گرفت، هم‌چنان که معنای دست‌یافتن به هدف، همیشه خبر از حقانیت آن هدف نمی‌دهد. هدف این یادداشت نیز تذکار همین یک نکته بود، و نیز این‌که قضاوت عجولانه بر حرکت‌ها و جریان‌های اجتماعی که زمانی که شکل می‌گیرند، دیگر تنها به آن صورت عینی و ظاهرش خلاصه نمی‌شود و در حرکت‌ها و جریان‌های احتمالی بعدی پیشاپیش ریشه می‌دواند و در خرد جمعی مردم جایی برای خود اختصاص می‌دهد، همان‌قدر احساساتی و آمیخته با عقده است که بستن راه و تاریک ساختن افق برای به‌وجود آمدن هر نوع نقد و تأملی. رأی عاقله این است: از احساساتی‌گری و عقده‌گشایی پرهیز، نقد کن آنچه را که با اندیشه به آن پی برده‌ای.

## چهلک

سخن‌سازان هاتفا

### مهد ادب و خواهر و مادر

در این‌که «د افغانستان تمدن» تاریخ پنج‌هزار ساله دارد، تردیدی نیست. اگر معیار تمدن این باشد که کدام کشور ویرانه زیاد دارد، من که به ویرانه‌های افغانستان عزیز نگاه می‌کنم به این نتیجه می‌رسم که قدمت تمدن ما از ده‌هزار سال هم می‌گذرد. در مسیر میان پل‌خمری و سمنگان دشتی هست که از بس تمدنی قدیمی داشته فعلاً حتا از ویرانه‌های آثار باستانی هم در آن چیزی به چشم نمی‌خورد. فکر کنید که در این دشت چه تمدن بزرگی برپا بوده باشد. با همه‌ی این‌ها، مردم افغانستان هیچ‌وقت مثل سایر ملل (با افتخارات واهی به گذشته‌ی که دیگر در دسترس نیست) خود را یک سرگردن از مردمان دیگر جهان برتر نشمرده‌اند. شما از هر شهروند افغانستان که درباره‌ی «د افغانستان تمدن» سوال کنید، با این جواب خاضعانه روبرو می‌شوید: «مه شاش کدیم به این تمدن». و با این پاسخ فروتنانه و آبیکتیو می‌رسیم به یک خصوصیت بسیار نیکوی دیگر در میان مردم ملک ما:

مردم افغانستان جز آن‌که بسیار میهمان‌نواز هستند، در سخن گفتن نیز مردمی صادق و بی‌شیله‌وپیله هستند. در وصف میهمان‌نوازی‌شان همین بس که میهمان را هرگز در خانه‌ی خود نمی‌کشند. می‌گویند این خلاف جوانمردی است. این است که اگر بخوانند میهمان خود را بکشند (بشر است دیگر، گاهی پیش می‌آید که بخواند میهمان خود را بکشد)، میهمان مذکور را از خانه و قریه‌ی خود بیرون می‌برند و در جایی دور گردان‌اش را می‌زنند. لیکن حتما شنیده‌اید که زخم شمشیر علاج می‌شود اما زخم زبان نه. مردم افغانستان وقتی گردن کسی را می‌زنند، از بیم آن که مبادا زخم شمشیر علاج شود و فرد گردن‌بریده باز صحت خود را بازیافته و به جامعه‌ی بشری برگردد، پیش از زخم شمشیر و بعد از زخم شمشیر همیشه زخم زبان را هم علاوه می‌کنند. مثلاً شما در کوچه راه می‌روید و کسی با موتر از کنار شما می‌گذرد و سر خود را از کلکین بیرون می‌آورد و هر چه فحش خواهر و مادر هست نثاران می‌کند. در چنین مواردی تعجب نکنید. فحش افغان نه از پی کین است، مقتضای طبیعت‌اش این است. فحش می‌دهد که زیاد خاطر جمع نباشید. زنده‌گی آن‌قدر هم ارزش ندارد که آدم نگاه شکاک خود به آن را کاملاً تعطیل کند. آن فحش که می‌شنوید، به شما یاد آوری می‌کند که انسان در هیچ حالی باید به آرامشی که دارد غره نشود و در این دو روز دنیا با کبر و نخوت خود را از شر فحاشی دیگران در امان نداند. گفتید فیس‌بوک؟ خوب، فیس‌بوک هم همان کوچه و خیابان ماست. فحش‌های مان را از آن‌جا آورده‌ایم به پهنه‌ی انترنیت. ما مهد ادب و خواهر و مادریم؛ نیستیم؟

#### هر روز روزنامه اطلاعات روز را پشت در منزلتان در یافت کنید

Subscribe to Daily Etilaat Roz

6 Months

120\$ USD

Annual

200\$ USD

برای ادارات دولتی و شرکتها

۳۰۰۰ افغانی

شش ماهه

۵۰۰۰ افغانی

یک ساله

برای متعلمین و محصلین

۲۰۰۰ افغانی

شش ماهه

۴۰۰۰ افغانی

یک ساله

zaki.daryabi2@gmail.com

- صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی
- معاون مدیرمسئول: حمیرا رسا
- سرمدیر: خلیل پژواک
- دبیر خبر: عصمت الله سروش
- گزارشگر: الیاس نواندیش
- ویراستار: عمران راتب
- صفحه آرا: هادی دریابی
- بازاریاب: محمد حسین جویا ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲
- ایمیل: [hussainjoya2014@gmail.com](mailto:hussainjoya2014@gmail.com)
- [dailyetilaatroz@gmail.com](mailto:dailyetilaatroz@gmail.com)
- آدرس: کابل، کارته سه، سرک شورا
- شماره تماس: ۰۷۸۹۶۴۵۱۶۰
- مسئول توزیع: روح الله مرادی ۰۷۷۶۹۴۰۴۵۴ / ۰۷۹۲۹۱۹۳۳۲
- چاپ: مطبعه امام ۰۷۹۹۱۴۲۹۹۹

یادداشت: تنها یادداشت روز دیدگاه رسمی اطلاعات روز می باشد. مسئولیت سایر نوشته ها به نویسندگان آن بر می گردد.





Farid Barzgar

خبرنگاران، فعالان مدنی، فعالان حقوق بشر و انسانیت!

از تخار سخن می‌گویم، تخاری که روزگاری آخرین سنگر مقاومت در برابر تروریسم بود امروز مرکز افراطیت روزگار شده است. دیروز یکی از بزرگ‌ترین مقامات روحانی بر زبان تاخته بود و امروز موج بزرگی از دانشگاه تخار سر برآورده بر ضد تمام ارزش‌های حقوق بشری، آزادی بیان، رسانه‌ها، زنان و اصول زندگی مسالمت‌آمیز می‌تازند و تبلیغ می‌نمایند. به اندیشه‌ی من ما در جایی رسیده‌ایم که انقلابی باید شکل بدهیم، بعضی نهادها، شخصیت‌ها و حتا مردم را مجبور کنیم تا خطوط خود را مشخص نمایند. دولت افغانستان به‌ویژه وزارت تحصیلات عالی باید پاسخ دهد که چرا از دانشگاه‌ها مراکز تبلیغ داعش ساخته است. نهادهای امنیتی باید پاسخ دهند که چرا آن‌هایی که بدون هیچ هراسی علیه نظام تبلیغ می‌نمایند و فعالیت تروریستی انجام می‌دهند مورد پیگرد قرار نمی‌گیرند. مردم به‌ویژه فرماندهان جهادی باید پاسخ دهند که دیروز وقتی در برابر طالب می‌جنگیدند امروز چرا در برابر داعش خاموش‌اند. ما چرا هر روز برادران مان را در صفوف نیروهای امنیتی می‌فرستیم و شهید می‌شوند اما از سوی دیگر دولت و نهادهای دولتی مرکز تربیه طالب و داعش و بنیادگرایی می‌شود.

مردم با شرف تخار، زنان و مردان! از دو هفته به این سو نام تخار که از روزگار قدیم به الگوی فرهنگ، مبارزه و مقاومت بلند بود، به الگوی خشونت، توهین و حقارت به حقوق بشر و آزادی‌های انسانی بدل شده و یکی از مراکز قدرتمند افراط‌گرایی به‌ویژه داعش شناخته شده است. زمان آن رسیده است که شما خط خود را مشخص نمایید و به مبارزات سالیان دراز تان در برابر تروریسم حقانیت ببخشید. به فرزندان شما در دانشگاه‌ها درس افراطیت می‌دهند، زنان را بی‌حیاط‌ترین می‌خوانند و زنانی که کار می‌کنند را فاحشه می‌خوانند، فرزندان تان که در ارتش و پولیس و امنیت ملی شهید می‌شوند را نه شهید می‌دانند و نه جنازه شان را می‌خوانند، پس شما منتظر چه اتفاق دیگر هستید؟ به اندیشه‌ی شما بیش از این چه باید بکنند تا برای دفاع از حقوق و شرف تان صدایتان بلند شود؟

به‌عنوان یک انسان از همه‌ی شما که به اصول انسانی و زندگی مسالمت‌آمیز و بدون تعرض به دیگران باور دارید، صمیمانه خواهش می‌نمایم که در مقابل این وضعیت خاموش نمانید. مبارزه در برابر آن‌هایی که شرف و عزت شما را همه روزه به اهانت و تحقیر می‌گیرند گذشته از این که یک اصل انسانی است یک وجبیه دینی نیز هست. پس لطفاً لطفاً صدایتان را بلند کنید. بیایید دولت را مجبور کنیم پاسخ بدهد!



Khadim Hussain Karimi

مردم سرگردانی هستیم. ملک ویران و آشفته و باورهای آشفته‌تری داریم. باری، کمر می‌بندیم به جان دیانت اسلامی. بر هرچه آیین و مرسومات دینی از نوع اسلامی-افغانی‌اش می‌تازیم. تبلیغ رفع حجاب یا دستکم حجاب اجباری می‌کنیم آن هم با چه اشتها و شدتی. آیین‌های دینی را می‌کوبیم. از حقوق زنان و دختران به نیابت تمام دفاع می‌کنیم. زور می‌زنیم تا با روش‌های ناشیانه و استدلال‌های ناشیانه‌تر، ثابت کنیم که گریز از بند دیانت اسلامی، گریز از همه‌ی پستی‌ها و پلشتی‌ها و ورود به جهانی سراسر سعادت و رفاه مادی و فکری ست. القصه، شتابی غیرمعمول و ناشیانه و به اصلاح بدتیبی برای تبلیغ باورهای ظاهراً روشنفکرانه‌ی مان داریم. اما قصه وقتی خیلی مزخرف و مضحک می‌شود که با سابقه‌ی تبلیغات ضد علایق دینی، بر دختر برهان‌الدین ربانی می‌تازیم که چرا با موهای عربان و پوشش غیراسلامی، عکس بیرون داده است. تازه مشخص نیست این عکس را رسانه‌یی کرده یا رسانه‌یی شده است. چه عیبی دارد اگر ربانی شهره‌ترین رهبر جهادی و از پیشکسوتان جزم اندیشی بوده باشد اما دخترش فارغ از سوابق ایدئولوژیک-سیاسی پدر، راهی مخالف/متفاوت از او رفته است؟ چرا ناف دختر را با اسم و رسم پدرش می‌بریم؟ ما چرا این قدر دچار تناقض گویی و سرگردانی میان حرف‌های هزار تنی و بزرگ‌تر از دهن مان هستیم؟ گند وضعیت زمانی بیشتر بالا می‌زند که دختر ربانی را با دختر مزاری مقایسه می‌کنیم و بعد نتیجه می‌گیریم که زینب مزاری، دختر اصالت و متانت است و دختر ربانی، سبکسر و بی بند و بار. بد مان هم نمی‌آید این داستان را در سطح تبار و قوم تعمیم دهیم. ما چقدر آشفته و سرگردانیم! نمی‌فهمیم به چه اعتقاد داریم و از زندگی چه می‌خواهیم. موج می‌آید و می‌برندمان به جاهایی که پرپر ز نفرین‌اش می‌کردیم و امروز به سکونت در آن مفتخریم. حس می‌کنم نسلی که به دلیل جهاد و جنگ منتهم به جنایت و عقب راندن مملکت به دام واپس‌گرایی و عقب ماندگی ست، خوشنام‌تر از نسلی هست که نمی‌فهمد چه می‌خواهد و به چه باور دارد. آن‌ها دستکم می‌فهمیدند چه می‌خواهند و برای چه می‌جنگند. مایی که در خانواده، برادر و پدر غیرتیم، در بیرون، تبلیغ گران سنج آزادی‌های مدنی دختران و زنان و در مقام عصیبت ناشی از بی‌ثباتی تفکر و شاید هم عصیبت قومی، دختر ربانی را به جرم نرفتن راه پدرش که به زعم ما افراط‌گرایی و دگم اندیشی ست، به صلیب پرخاش و نقد و دشنام می‌بندیم، باید به کجای مان افتخار کنیم؟ نسل مکتب و دانشگاه و کتاب این نیست.

## تصرف کامل بخش شرقی حلب توسط ارتش سوریه؛ نگرانی سازمان ملل نسبت به تلفات انسانی

روز سه‌شنبه از کشته شدن ۸۲ غیرنظامی در شرق حلب خبر داد. صلیب سرخ جهانی نیز از طرف‌های درگیر در جنگ حلب خواسته برای حفظ جان غیرنظامیان، که هیچ منطقه‌ی امنی برایشان وجود ندارد، تلاش کنند. یان اگلند، مشاور فرستاده‌ی ویژه‌ی سازمان ملل متحد در امور سوریه نیز در تویتر خود نوشته، روسیه و سوریه هر دو به‌طور مساوی در برابر اعمال تخریبی و نادرستی که نیروهای دولتی در حلب انجام بدهند مسئول خواهند بود.

اعلام کرد که ارتش ۹۹ درصد مواضع شورشیان در حلب را در کنترل خود گرفته است و به چهار سال کنترل آن‌ها بر این قسمت از حلب خاتمه داده است. در اختیار گرفتن کنترل کامل حلب که از سال ۲۰۱۲ به دو بخش تحت کنترل دولت و بخش تحت کنترل شورشیان تقسیم شده بود، بزرگ‌ترین پیروزی بشار اسد، رئیس‌جمهور سوریه در جنگ داخلی این کشور به شمار می‌آید. در همین حال، روبرت کولویل، سخنگوی کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد

**اطلاعات روز:** در حالی که رسانه‌ی دولتی سوریه از کنترل تقریباً کامل بخش شرقی حلب توسط ارتش این کشور خبر داده، سخنگوی کمیساریای حقوق بشر سازمان ملل نسبت به تلفات انسانی و آوارگی ساکنان این شهر ابراز نگرانی کرده است. به نقل از بخش فارسی صدای آمریکا، همزمان با تلاش نیروهای نظامی سوریه حملات هوایی روسیه برای خارج کردن شورشیان از آخرین مواضعشان در شرق حلب، تلویزیون دولتی سوریه روز سه‌شنبه ۲۳ قوس خرابی‌های عظیم محله بوستان القصر در شرق این شهر را نشان داد و

### تقویت ارتش عراق در عملیات آزدسازی موصل

پیش می‌رود، برخی از ساکنان شرق موصل که از خانه‌های‌شان آواره شده‌اند تصمیم گرفته‌اند به محل زندگی‌شان بازگردند. آن‌ها معتقدند که شرایط در بخش‌هایی از شهر به اندازه‌ی کافی برای بازگشت امن است. نیروهای ارتش عراق می‌گویند که تاکنون یک چهارم شهر موصل را از داعش پس گرفته‌اند، با این حال مقاومت شدید نیروهای داعش پیشروی نیروهای دولتی عراقی را بشدت کند کرده است.

موصل دیدار کرد و گفت: «شهردان عزیزمان در نینوا، ما برای آزادی شما آمده‌ایم و مطمئن باشید که این کار انجام می‌شود، و تنها مسأله زمان مطرح است. زمان به نفع ماست، ما داعش را از بین می‌بریم. آن‌ها هیچ جایی در میان ما ندارند. من از شما می‌خواهم که از نیروهای ارتش عراق استقبال کنید همان‌طور که مردم در مناطق آزاد شده از آن‌ها استقبال کردند.» در حالی که ارتش عراق به کندی در موصل

**اطلاعات روز:** گزارش‌ها حاکی است که چند هزار نفر از اعضای پولیس فدرال عراق در «بخدیدا» در جنوب شرقی موصل آماده پیوستن به نیروهای ارتش برای حمله به مواضع داعش در شهر موصل هستند. نیروهای ارتش عراق در هفته‌ی گذشته با ضد حملات شدید نیروهای داعش مواجه شده‌اند که پیشروی آن‌ها را به‌شدت کند کرده است. به نقل از یورو نیوز، حیدر العبادی، نخست‌وزیر عراق روز دوشنبه از مواضع ارتش در حوالی

### ریکس تیلرسن برای مقام وزارت خارجه‌ی امریکا نامزد شد

پوتین، دوست است. روابط میان روسیه و ایالات متحده، طی چند هفته‌ی اخیر، به‌دلیل گزارش‌های استخباراتی‌بی که حاکی از سعی روسیه برای مداخله در انتخابات امریکا بوده، بیشتر از پیش به تیرگی گرایده است. از جانب دیگر، تبصره‌های ترامپ در زمینه‌ی روابط با چین و تایوان هم نگرانی‌هایی را در قسمت پالیسی خارجی واشنگتن درقبال بجینگ برانگیخت. چین اکنون می‌گوید که هر کسی وزیر خارجه‌ی ایالات متحده شود، بجینگ آماده است که با او تعامل داشته باشد. بر اساس گزارش‌های تأیید نشده، گفته می‌شود که آقای ترامپ در نظر دارد جان بولتن، دیپلمات سابقه دار جمهوری‌خواه را به حیث معاون وزارت خارجه‌ی این کشور نامزد کند.

حزب جمهوری‌خواه، همچو جیمز بیکر و کاندولیزا رایس وزرای خارجه‌ی سابق، و رابرت گیتس وزیر دفاع سابق، برخوردار است. ریکس تیلرسن، ۶۴ سال عمر دارد، از ایالت تکزاس است و مدیر عامل ایکزان موبیل، بزرگترین شرکت انرژی در جهان شمرده می‌شود. دونالد ترامپ که مشغول تشکیل کابینه‌اش است، به روز شنبه برای بار دوم با تیلرسن مقالات نمود. او در باره‌ی تیلرسن گفت: «بزرگترین نکته‌ی مفید برایم اینست که او بسیاری از بازیگران سیاسی را به خوبی می‌شناسد. او معاملات بزرگی در روسیه انجام می‌دهد.» ولی منتقدین همچنان می‌گویند که تیلرسن، تجربه‌ی سیاسی ندارد. افزون برآن، نزدیکی تیلرسن با روسیه، باعث نگرانی‌هایی شده است. تیلرسن می‌پذیرد که با

**اطلاعات روز:** دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور منتخب ایالات متحده، مدیرعامل بزرگترین شرکت نفت و گاز جهان را، به مقام وزارت خارجه‌ی کابینه‌اش برگزید. به نقل از صدای آمریکا، آقای ترامپ روز گذشته با نشر بیانیه‌یی گفت که ریکس تیلرسن را به‌خاطر جدی بودنش، تجربه‌ی فراوانش و فهم عمیقی که به گفته‌ی ترامپ، در ساحه‌ی جیوپولیتیک دارد، به این مقام انتخاب کرده است. با اینهم، گزینش تیلرسن، با انتقادات و نگرانی‌هایی همراه بوده است. در بیانیه‌ی دونالد ترامپ آمده است که به باور او، ریکس تیلرسن ثبات منطقی را تأمین خواهد کرد و بر اصل منافع امنیت ملی ایالات متحده، تمرکز خواهد داشت. یک مقام ارشد تیم ترامپ به آژانس رویترز گفته که گزینش تیلرسن، از حمایت چهره‌های برجسته‌ی

### سال ۲۰۱۶؛ ۳۴۸ روزنامه‌نگار زندانی در جهان

بر اساس آماري که گزارش‌گران بدون مرز منتشر کرده است، ۳۴۸ روزنامه‌نگار در سراسر جهان زندانی هستند. این شمار زندانی نسبت به سال گذشته میلادی افزایش شش درصدی نشان می‌دهد. رشد روند زندانی کردن روزنامه‌نگاران در جهان نگران‌کننده است و شمار روزنامه‌نگاران حرفه‌یی در زندان ۲۲ درصد افزایش یافته است. شرایط پیش آمده در ترکیه به دنبال وقوع آن‌چه کودتای نافرجام خوانده می‌شود به تنهایی باعث شده است بیش از ۱۰۰ روزنامه‌نگار در این کشور زندانی بشوند که ۴۰ نفر از آن‌ها، برابر تأیید سازمان گزارش‌گران بدون مرز به‌طور مستقیم به دلیل انجام وظیفه اطلاع‌رسانی بازداشت شده‌اند: «کژروی اقتدارگرایانه رئیس‌جمهور رجب طیب اردغان، بیش از هر جای دیگر در بازداشت‌های جمعی خبرنگاران و به سکوت واداشتن منتقدان مشهود است. برای بازداشت خبرنگاران نیازی به اتهام قضایی نیست و به همین دلیل آمار بازداشت‌های خودسرانه رو به افزایش است.» در چین ۱۰۳ روزنامه‌نگار، در ترکیه ۱۰۰ نفر، در سوریه ۲۸ نفر، در مصر ۲۶، در ایران ۲۴ و در دیگر نقاط جهان ۱۲۵ روزنامه‌نگار در زندان هستند. از این عده ۱۸۷ نفر خبرنگار، ۱۴۶ نفر شهروند-خبرنگار و ۱۵ نفر همکار رسانه‌ها هستند.

درصد آن‌ها از افراد محلی‌اند. به این ترتیب گروگان‌گیری خبرنگاران در سال جاری میلادی در مقایسه با سال ۲۰۱۵، رشدی ۳۵ درصدی داشته است. سوریه اما همچنان خطرناک‌ترین جای جهان برای خبرنگاران است. گزارش‌گران بدون مرز می‌گویند که پیکارجویان گروه دولت اسلامی خبرنگاران را به هدف اصلی خود بدل کرده‌اند و هدف‌گیری روزنامه‌نگاران امری سودمند است: «این کار» نه تنها برای باج‌گیری و چرخاندن ماشین جنگ یا اعمال فشار بر دولت‌ها که برای حاکم کردن جو ارعاب و ترور و به سکوت کشاندن هر صدای منتقدی در مناطق تحت کنترل به کار می‌آید.» پس از سوریه، یمن شرایطی بسیار بحرانی دارد و شورشیان شیعه حوثی به ربودن خبرنگاران یا همکاران رسانه‌ها مشغولند. در عراق هم پیکارجویان گروه دولت اسلامی از دو سال پیش ۱۰ خبرنگار و همکار رسانه‌ها را در موصل گروگان گرفته‌اند. سازمان گزارش‌گران بدون مرز در گزارش جدید خود از عبارت «سیاه‌چال‌های اطلاع‌رسانی» برای مناطق وسیعی از سوریه، عراق و یمن استفاده کرده است.

افزایش ۲۲ درصدی روزنامه‌نگاران زندانی

**اطلاعات روز:** سازمان گزارش‌گران بدون مرز (RSF)، روز سه‌شنبه ۲۳ قوس، اولین بخش از کارنامه‌ی سالانه‌ی خود درباره‌ی روزنامه‌نگاران به گروگان گرفته شده، ناپدید شده و زندانی در جهان را منتشر کرد. بر اساس این گزارش حکومت ایران دست‌کم ۲۴ روزنامه‌نگار را زندانی کرده است و به این ترتیب ایران پنجمین زندان بزرگ روزنامه‌نگاران در میان کشورهای جهان است. سوریه، یمن و عراق هم خطرناک‌ترین کشورهای جهان برای خبرنگاران هستند. به نقل از رادیو زمانه، در گزارش تازه سازمان گزارش‌گران بدون مرز برای نخستین بار آماري کلی از شمار قربانیان خشونت علیه آزادی اطلاع‌رسانی ارائه شده است. به گفته‌ی این سازمان در کارنامه امسال که از روز اول ماه جنوری ۲۰۱۶ تا روز اول دسامبر ۲۰۱۶ را در بر می‌گیرد، آمارها تا جای ممکن تفکیک شده‌اند. بر این اساس در سال ۲۰۱۶، ۵۲ روزنامه‌نگار در سراسر جهان به گروگان گرفته شده‌اند: در سوریه ۲۶ روزنامه‌نگار، در یمن ۱۶ نفر و در عراق ۱۰ نفر. گروه دولت اسلامی هم به تنهایی ۳۶ خبرنگار را گروگان گرفته است. همه‌ی این خبرنگاران مرد هستند که در مناطق جنگ‌زده و در خاورمیانه گرفتار رابیندگان شده‌اند. ۸۹

### نزدیک به ۱۰ هزار نفر در درگیری‌های اوکراین کشته شده‌اند

روسیه و اوکراین بر اثر این درگیری‌ها تیره است. در ماه مارچ ۲۰۱۴ روسیه جزیره‌ی کریمه اوکراین را اشغال کرد. افزون بر این دولت روسیه از جدایی‌طلبان در شرق اوکراین حمایت می‌کند. آن‌ها در مناطق دونتسک و لوهانسک علیه واحدهای ارتش اوکراین می‌جنگند. کشورهای غربی روسیه را متهم به استفاده از «جنگ هیبریدی» در اوکراین می‌کنند. «جنگ هیبریدی» ترکیبی از نبردهای تبلیغاتی، سایبری، روانی، اطلاعاتی و اقتصادی است.

زید رعد الحسین اظهار امیدواری کرده که روند کاهش قربانیان این درگیری‌ها ادامه یابد. از آغاز درگیری‌های اوکراین در آوریل ۲۰۱۴ تاکنون دست‌کم ۲۲ هزار و ۸۰۰ نفر نیز زخمی شده‌اند. این آمار را سازمان ملل از ارتش اوکراین، وابستگان جدایی‌طلبان مسلح و غیرنظامیان به‌دست آورده است. بر این اساس صدها نفر نیز ناپدید شده‌اند. به‌گفته‌ی کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل، این افراد احتمالاً را ربوده شده‌اند و یا کشته شده و قابل شناسایی نبوده‌اند. همچون دو سال اخیر، روابط

**اطلاعات روز:** سازمان ملل متحد می‌گوید در درگیری‌های نظامی اوکراین تاکنون دست‌کم ۹ هزار و ۷۵۸ نفر کشته شده‌اند. بیش از دو هزار نفر از آن‌ها غیرنظامی بوده‌اند. به نقل از رادیو زمانه، زید رعد الحسین، کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل ضمن اعلام این آمار از جنگ اوکراین گفت با وجود نقض آتش‌بس توافق‌شده در سال ۲۰۱۵ بین واحدهای ارتش اوکراین و جدایی‌طلبان طرفدار روسیه، شمار قربانیان در ماه نوامبر و اوایل دسامبر سال جاری کاهش یافته است.





## دیدار لیونل مسی با مسی افغانستان

لیونل مسی، ستاره فوتبال بارسلونا و تیم ملی آرژانتین با مرتضی، پسر خردسالی که به «مسی افغانستان» مشهور شده در دوحه دیدار کرد. تیم فوتبال بارسلونا برای انجام دیداری دوستانه روز دوشنبه وارد دوحه قطر شده است و دی شب به مصاف الاهلی عربستان رفت. در حاشیه سفر بارسلونا به قطر «مرتضی احمدی» که به «مسی افغانستان» شهرت یافته است سرانجام موفق شد لیونل مسی، ستاره بارسلونا را از نزدیک ملاقات کند. قبلا مرتضی احمدی با دریافت پیراهن امضا شده مسی در دنیا شهرت یافته بود؛ شهرتی که البته با تهدیداتی هم از سوی افراد ناشناس رویه رو شد و خانواده مرتضی احمدی مجبور به ترک کشور و کوچ به پاکستان شد. گفتنی است قرار بود ملاقات «مسی افغانستان» با ستاره تیم ملی آرژانتین پیش تر از این اتفاق بیفتد که در نهایت این ملاقات در دوحه قطر و دیروز اتفاق افتاد.



### پیکه: شاید دیگر هرگز مصاحبه نکنم

بین بازیکنان و هواداران این همه ارتباط نزدیک وجود نداشته و به لطف پیشرفت تکنولوژی و گسترش شبکه‌های اجتماعی، حالا کار به جایی رسیده که به طور مثال ممکن است من دیگر هیچ مصاحبه‌یی انجام ندهم؛ بدون این که اتفاق خاصی بیفتد. حالا مردم از کوچکترین اتفاقات در زندگی خصوصی بازیکنان آگاه هستند و دیگر نمی‌توان به آن‌ها دروغ تحویل داد. برخی خبرنگاران پیش از این می‌توانستند مصاحبه‌های دروغین ترتیب داده و ادعاهای ناصحیح در مورد بازیکنان مطرح کنند؛ اما در دنیای کنونی دیگر چنین چیزی ممکن نیست و فکر می‌کنم نسل‌شان در حال ریشه‌کن شدن است.»

جرارد پیکه، مدافع بارسلونا با مهم شمردن نقش شبکه‌های اجتماعی در نزدیکی بازیکنان با مردم، عنوان کرد که شاید دیگر هرگز تن به مصاحبه با نشریات ندهد. از جرارد پیکه به عنوان لیبر معنوی در باشگاه بارسلونا و رئیس آینده آبی‌ناری‌ها یاد می‌شود. مدافع ارزشمند بارسا همیشه حرف‌های جالب برای گفتن دارد و البته چند صباحی است که دست از اقدامات حاشیه‌یی و کنایه‌زدن به رئال مادرید برداشته است.

پیکه در مصاحبه با نشریه «پانکا» در مورد نقش شبکه‌های اجتماعی در ورزش گفت: «هیچ وقت

### گواردیولا: محال است خودم را تغییر دهم

بگویم چون آن‌ها در مالکیت توپ خیلی تخصص ندارند تیم خوبی نیستند. من تازه به انگلیس آمده‌ام اما خیلی از مربیانی که سال‌هاست این‌جا مشغول هستند نیز در این رابطه مشکل دارند. این مشکل فقط مختص گواردیولا نیست و دیگران نیز این مشکلات را دارند اما این تجربیات برای من جدید است. من تازه شش ماه است اینجا هستم و تیم ما در مرحله یادگیری است. در انگلیس نمی‌توان تمام جریان بازی را کنترل کرد. البته ما در ابتدای فصل و در مقابل تیم‌هایی مانند وست بروم قادر به انجام آن بودیم. اگر نتوانسیم با شرایط کنار بیاییم، قادر به ادامه دادن نخواهیم بود زیرا انگلیسی‌ها در ارائه این سبک از فوتبال تخصص بالایی دارند. نتایج چند بازی قبلی خوب نبوده و جایی برای دفاع کردن باقی نگذاشته است. من سعی می‌کنم که عقاید و سبک مورد علاقه خودم را بهبود بخشم اما اگر نتیجه نداد، باید تبعات آن را پذیرفت.»

### رونالدو: دیگر در همه بازی‌ها مرا نمی‌بینید!

مدیریت کنم. باید باهوش بود و نمی‌خواهم دیگر در همه مسابقات حضور داشته باشم. یک فصل فوتبالی، مثل دوش ماراتون است نه دوی سرعت. باید به گونه‌یی خودتان را آماده نگه دارید که بتوانید در مقطع پایانی فصل نیز به تیم تان کمک کنید. کمی دیگر وارد ۳۲ سالگی خواهم شد؛ ولی خودم را در وضعیت بسیار خوبی می‌بینم؛ با این حال متوجه شده‌ام که ریکواری پس از بازی‌ها، برای من دیگر مثل سابق نیست. کمی کندتر شده‌ام. به خصوص وقتی هر سه روز بازی داریم. این‌که همیشه در بالاترین سطح باشید غیرممکن است. در مورد تغییر پست بازی (حضور به عنوان مهاجم مرکزی به جای بال تهاجمی) هم به همین‌گونه است. چرا که نه؟ پذیرفته‌ام که هر چیزی می‌تواند تغییر کند و این مشکلی نیست.»

### رونالدو: هم‌تیمی شدن با مسی جذاب خواهد بود

کریستیانو رونالدو دوشنبه شب با کسب ۷۴۵ امتیاز در مقابل ۳۱۶ امتیاز مسی موفق شد برای چهارمین بار فاتح توپ طلا شود.

رونالدو پیش از این یک بار با پیراهن یونایتد و دو بار با پیراهن رئال این عنوان را کسب کرده بود. او حالا یک توپ طلا با مسی فاصله دارد.

رونالدو در مصاحبه اختصاصی با فرانس فوتبال و در پاسخ به سوالی در مورد هم‌تیمی شدن با مسی گفت: «سوال سختی است. نمی‌دانم! هم‌تیمی شدن با مسی و این‌که ما دو نفر در یک تیم حضور داشته باشیم، مطمئناً جذاب خواهد بود. معتقدم بازیکنان بزرگ باید با هم بازی کنند. اگر مسی در رئال حضور داشت، بی‌شک من توپ طلای بیشتری می‌بردم؛ البته فاصله من با او حالا به یک رسیده است. همه دنیا می‌دانند که مسی چه بازیکن بزرگی است و ۵ توپ طلا دارد.»

### راموس: می‌خواهیم نشان‌مان را از بارسا پس بگیریم

رئال مادرید این فرصت را دارد تا یکشنبه آینده در جاپان برای چهارمین بار فاتح جام جهانی باشگاه‌ها شود و این عنوان را از بارسلونا پس بگیرد.

کاپیتان رئال در مصاحبه با فیفا گفت: «خاطرات بسیار خوبی از آن بازی‌ها دارم. در نیمه نهایی و فینال گول زدم و توپ طلای تورنمنت را به من دادند؛ هرچند که قهرمانی با رئال، شیرین‌تر از کسب جایزه فردی بود.»

پس گرفتن قهرمانی از بارسا: «این‌که یک جام دیگر به وترین افتخارات‌تان اضافه کنید همیشه لذت‌بخش است. می‌توانیم برای یک سال آینده نشان فیفا را روی پیراهن‌مان داشته باشیم. این پاداش خوبی برای ما خواهد بود. دوست دارم نشانی که حالا روی پیراهن بارسلوناست را پس بگیریم (بارسا سال گذشته با شکست روبرو قهرمان جام جهانی باشگاه‌ها شد و نشان فیفا را فعلاً روی پیراهن این تیم می‌بینیم).»

### لواندوفسکی با بایرن مونیخ تمدید کرد

رابرت لواندوفسکی، گول‌زن ۲۸ ساله و لهستانی بایرن، قرارداد خود را با این تیم تمدید کرد. لواندوفسکی تا سال ۲۰۱۹ با بایرن قرارداد داشت و دیروز ۲ سال دیگر آن را تمدید کرد. لواندوفسکی در فصل گذشته در ۳۲ بازی ۳۰ گول برای بایرن به ثمر رساند و نقش عمده‌یی در دبل این تیم در آلمان داشت. لواندوفسکی بعد از تمدید قرارداد گفت: «از این‌که مذاکرات خیلی خوب پیش رفت احساس رضایت دارم و من قرار است برای سالیان متمادی بازیکن بایرن بمانم.»

### رنال به ۲ قدمی بارسا در رده بندی توپ طلا رسید

با وجود این‌که رونالدو دوشنبه شب توانست سومین توپ طلای خود با پیراهن رئال (در مجموع ۴ بار) را کسب کند، بارسلونا همچنان بیشترین افتخار در این زمینه را به دست آورده است.

هیچ باشگاهی مثل بارسلونا در رده بندی فاتحین توپ طلا نماینده نداشته است. مسی با ۵ بار، کرویف (۲ بار)، استویچکوف، لوئیس سوارز (هافبک اسپانیایی دهه ۶۰)، ریوالدو و رونالدو برزیلی نیز هر کدام یک بار با پیراهن بارسا فاتح توپ طلا شده‌اند. در واقع توپ طلا ۱۱ بار به بازیکنی از بارسلونا رسیده است.

پس از بارسلونا رئال قرار دارد که ۹ بار توپ طلا به بازیکنی از این تیم رسیده است. کریستیانو با ۳ بار فتح توپ طلا با پیراهن رئال مادرید، نقش زیادی در کاهش فاصله کهکشانی‌ها با بارسا داشته است.

سهم میلان و یوونتوس نیز در توپ طلا ۸ بار بوده، بایرن و یونایتد هم با ۵ و ۴ برنده، در رده‌های بعدی قرار دارند. از بازیکنانی که با پیراهن یووه توانسته‌اند فاتح توپ طلا شوند می‌توان به پلاتینی اشاره کرد که سه بار برنده این جایزه شده و در میلان نیز فان باستن و گولیت، بازیکنان قابل ذکر هستند.

### فاحش‌ترین پیروزی رونالدو بر مسی در توپ طلا

کریستیانو که به دلیل قهرمانی با رئال در لیگ قهرمانان و با تیم ملی پرتغال در یورو ۲۰۱۶، بخت اول تصاحب توپ طلای ۲۰۱۶ بود، در نهایت به این عنوان دست یافت؛ در حالیکه درخشش مسی در دو ماه اخیر باعث شده بود تا رسانه‌های نزدیک به بارسلونا با دیده تردید به برنده شدن رونالدو نگاه کنند.

ساعاتی پس از برنده شدن رونالدو، فرانس فوتبال، امتیاز ۳۰ نامزد نهایی را اعلام کرد و مشخص شد که رونالدو با اختلاف فاحشی نسبت به مسی توانسته فاتح توپ طلا شود. مودریچ، کروس و پابت تنها ۱ امتیاز آوردند، لواندوفسکی ۳ امتیاز، پوگبا و ویدال ۴ امتیاز، زلاتان ۵ امتیاز، روی پاتریسیو ۶ امتیاز، اوبامیانگ ۷ امتیاز، بوفون ۸ امتیاز، واردی ۱۱ امتیاز، محرز ۲۰ امتیاز، گرت بیل ۶۰ امتیاز، نیمار ۶۸ امتیاز، لوئیس سوارز ۹۱ امتیاز، گریزمان ۱۹۸ امتیاز، مسی ۳۱۶ امتیاز و رونالدو نیز ۷۴۵ امتیاز به دست آورد. در واقع فوق ستاره رئال با بیش از دو برابر امتیازات کسب شده توسط مسی توانست برنده توپ طلا شود و نکته عجیب این‌که هیچ بازیکن اسپانیایی نتوانست امتیازی کسب کند از جمله اینیستا؛ در ۴ سال اخیر نیز رونالدو توانسته سه بار توپ طلا را به دست بیاورد و از این حیث سلفه عجیبی به مسی پیدا کرده است. مسی بین سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۲ موفق شده بود ۴ بار متوالی فاتح این عنوان شود و کسی تصور نمی‌کرد که این جایزه در سال‌های بعد نیز به بازیکنی غیر از وی برسد اما رونالدو این فرضیه را باطل کرد.





تروریستی می‌شناسد، ۲۰ گروه آن‌ها در افغانستان فعال‌اند که بیشتر تمرکز [گروه‌های سستیزه‌جو] در سطح جهان است. این به‌تنهایی گویای مسایل زیادی در مورد بی‌نتیجه بودن تلاش‌های حکومت اوپاما است. نیکولسن روز جمعه گفت که بقایای القاعده، گروهی که حملات یازدهم سپتامبر آن دلیل تهاجم ایالات متحده بود، هنوز قصد دارند بر آمریکا حمله کنند.

### چشم‌انداز

نیکولسن و بسیاری از جنرال‌های آمریکایی پیش از او، پیشرفت نسبتاً اندک افغانستان در زمینه مبارزه با فساد و توسعه فرصت‌ها برای زنان را دلایلی برای امیدواری می‌دانند. او گفت مطمئن است ارتش افغانستان که در سال ۲۰۱۶ تلفات سنگین را متحمل شد، مسیر بهبودی را ادامه خواهد داد. او گفت: «سال سختی بود. آن‌ها آزمایش شدند. آن‌ها غالب آمدند.»

جنرال جان کمپبل، جنرال بازنشسته‌ی پیش از او، می‌گوید که افغان‌ها شایسته‌ی تداوم حمایت هستند. او روز جمعه در یک تبادل ایمیل گفت: «حکومت افغانستان در حال حاضر بیش از هر زمان دیگری در گذشته علیه طالبان می‌جنگد.» با این حال، تعدادی از تحلیلگران نگران‌اند که حکومت اوپاما فرصت‌های بهبود امنیت و تقویت حکومت را از دست داده است. فریدریک کاگان، مورخ نظامی و مدیر پروژه‌ی تهدیدات حیاتی در موسسه‌ی آمریکایی انترپرایز (AMERICAN ENTERPRISE INSTITUTE) می‌گوید که اوضاع امنیتی با وجود تلاش‌های آمریکا در راستای تقویت ارتش و پولیس، بدتر شده است. او در مورد امنیت افغانستان گفت: «اگر [امنیت] خوب نیست، هیچ چیز دیگر مهم نیست، و [امنیت] خوب نیست.» کاگان می‌گوید که اوپاما یک وضع نگران‌کننده را به جانشین‌اش واگذار می‌کند. او گفت: «ما به سوی فروپاشی این حکومت و به‌طور بالقوه از سرگیری جنگ داخلی می‌گذریم.»

### جنگ ترامپ

ترامپ در زمینه‌ی رهایی ارتش آمریکا از افغانستان کار آسانی در پیش نخواهد داشت، بعید است که همین‌طوری افغانستان را به حال خودش بگذارد و برود. او در مورد این کشور کمتر حرف زده است، اما به‌طور گسترده‌تر خواهان پایان دادن به تلاش‌های «ملت‌سازی» شده است. مایکل فلین، جنرال بازنشسته‌ی ارتش که مشاور امنیت ملی ترامپ خواهد بود، افغانستان را بخشی از یک جنگ گسترده‌تر می‌داند که ایالات متحده برای نسل‌ها باید در آن بجنگد. او در سال ۲۰۱۶، در کتابش «زمین جنگ» نوشت: «ما القاعده و ایرانی‌ها را در عراق، طالبان و متحدان‌شان را در افغانستان شکست دادیم. با این وجود، آن‌ها به جنگ ادامه دادند و ما کنار رفتیم.» بیابید با آن رودرو شویم: در حال حاضر ما داریم می‌بازیم، و من از یک جنگ بسیار بزرگ می‌گویم، نه تنها سوریه، عراق و افغانستان. ما در یک جنگ جهانی علیه یک جنبش توده‌ی مسیحایی مردم بد که اکثریت‌شان از ایدیولوژی تمامیت‌خواه اسلام رادیکال الهام می‌گیرند، قرار داریم.» جنرال جیمز ماتیس، انتخاب ترامپ برای رهبری پنتاگون، کهنه‌سرباز جنگ در افغانستان است. او نوشته است که ایالات متحده منابع بسیار اندکی به افغانستان اختصاص می‌دهد، منابعی که با وضاحت استراتژیک بسیار اندک هدایت می‌شود. این‌که این گفته توسط کاخ سفید بعدی چگونه در عمل پیاده خواهد شد، مشخص نیست.



## جنگی که به زودی جنگ ترامپ خواهد بود؛ آینده‌ی افغانستان در بهترین حالت تیره است

واشننگتن پست / ابرت بورنز

ترجمه: حمید مهدوی

نیروهای آمریکایی چه کار می‌کنند و چرا چشم‌انداز مهم است:

### ماموریت ایالات متحده

در حالی که باراک اوپاما منتقد دیرینه‌ی جنگ عراق بود، او همیشه جنگ افغانستان را حیاتی می‌دید. اوپاما، اندکی پس از به قدرت رسیدن در سال ۲۰۰۹، به دنبال درست کردن آنچه که او آن را ناکامی‌های ایالات متحده در افغانستان و پاکستان می‌دید، برآمد. او تعداد نیروها در افغانستان را سه برابر کرد، اما این افزایش در تعداد نیروها، طالبان را وادار به شرکت در میز مذاکره نکرد. پاکستان هم‌چنان برای طالبان یک پناهگاه باقی مانده است.

ایالات متحده در ماه دسامبر ۲۰۱۴ به نقش جنگی‌اش در افغانستان پایان داد، اما وقتی ترامپ قدرت را به‌دست می‌گیرد، حداقل ۸۴۰۰ سرباز آن‌جا [در افغانستان] خواهند بود. سربازان آمریکایی و شرکای ائتلاف آن‌ها دو وظیفه را انجام می‌دهند: عملیات حمایت قاطع به نیروهای افغان که با طالبان می‌جنگند، آموزش و مشوره خواهد داد و عملیات محافظت از آزادی سستیزه‌جویان القاعده و هم‌چنین افراد وابسته به دولت اسلامی و دیگر گروه‌ها را که از این کشور به‌عنوان پناهگاه و زمینه‌ی بالقوه برای راه‌اندازی حملات استفاده می‌کنند، شکار کرده و خواهد کشت. اشتون

### کابل، افغانستان -

افغانستان تا این‌جای کار از ذهن و خاطر آمریکایی‌ها افتاده است که تعدادی احتمالاً جنگی را که جنگ فراموش شده نامیده شده است، فراموش کرده باشند. این جنگ هم‌چنین طولانی‌ترین جنگ آمریکاست. جنگی که اکنون در شانزده سالگی‌اش است و هیچ نشانه‌ی از پایان آن دیده نمی‌شود، به‌زودی مسئولیت دونالد ترامپ خواهد بود - از تهاجم ماه اکتوبر سال ۲۰۰۱ تا کنون دوره‌ی ریاست‌جمهوری دو رئیس‌جمهور پایان یافته است.

در جریان مبارزات انتخاباتی، ترامپ و هیلاری کلنتون، هیچ‌کدام، ایده‌های جدیدی برای شکستن بن‌بست در میدان نبرد پیشکش نکردند. آن‌ها به‌ندرت از این کشور نام بردند، چه برسد به یک استراتژی. با این حال، جنگی را که رئیس‌جمهور جورج دبلیو بوش به‌عنوان پاسخ آمریکا به حملات یازدهم سپتامبر آغاز کرد، ادامه دارد و نزدیک به ۱۰ هزار تن از نیروهای آمریکایی به ارتش و پولیس افغانستان آموزش و مشوره می‌دهند و امیدوارند که زمانی افغان در [جنگ‌شان] علیه طالبان روی‌پای خودشان خواهند ایستاد یا، بهتر از آن، گفت‌وگوهای صلح به سستیزه‌جویی پایان خواهد داد. نگاهی به جنگی که ترامپ به ارث می‌برد،

**داریانا افغان هوایی شرکت**  
ARIANA AFGHAN AIRLINES

**تغییر در سیستم اخذ تکت آریانا**

- 1 مسافری محترم آریانا می‌توانند هر قدر که تکت های خود را از قبل خریداری نمایند، قیمت نازل تر را بدست آورند.
- 2 سهولت انتخاب سیت برای مسافری محترم در هنگام خرید تکت ها بوجود آمده، که مسافری محترم می‌توانند هنگام خرید تکت ها، سیت های خویش را نیز انتخاب نموده و قید نمایند.
- 3 شرکت های سیاحتی می‌توانند برای مسافری گروهی خود قیمت نازل تر را نسبت به قیمت اصلی در سیستم بدست بیاورند.